

راهبرد تربیتی آزمایش الهی در آیات قرآن

حمیدرضا حاجی بابایی*

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی فلسفه وجودی آزمایش الهی و نقش آن به عنوان یک راهبرد تربیتی در آیات قرآن است. برای تحقق هدف، باید انسان شناختی، هستی شناختی و رابطه مفهومی آنها در آیات قرآن بررسی شود تا بر اساس تحلیل محتوا و استنتاج به تعریف تربیت و اصول آن دست یافت و از ملاکها و معیارهای رسیدن به این هدف به عنوان راهبرد تربیتی استفاده کرد. بر اساس این تحلیل رابطه انسان و خداوند رابطه ربوبی است، خداوند انسان را آفریده و هدفی را برای او تعیین نموده است که از طریق رابطه ربوبی انجام می پذیرد؛ یعنی بر اساس شناختی که از ربوبیت خدا و ربوبیت انسان حاصل می گردد که همان تربیت، بایدها و نبایدهایی است که در قالب تکلیف و هدایت تشریحی قرار می گیرد و بر اساس این تکلیف و هدایت، استعدادهای نهفته انسان به فعلیت می رسد و قابلیت ثواب و عقاب پیدا می کند. آزمایش الهی سنتی حتمی، قطعی، همگانی و دارای مراتب است و استعدادهای نهفته و بالقوه، معیار لیاقت و شایستگی نیستند بلکه باید بر اساس آزمایش الهی به فعلیت برسند. با این توصیف هدف و فلسفه آزمایش الهی رساندن انسان به قرب الهی؛ یعنی ربوبیت و عبودیت عبد بر اساس راهبرد تربیتی است.

واژگان کلیدی

آزمایش الهی، اهداف آزمایش الهی، راهبرد تربیتی، انسان شناختی، هستی شناختی.

طرح مسأله

این بحث در کتب اخلاقی، روایی و تفسیری متناسب با آیات و روایات مرتبط تحت عنوان ابتلائات و یا محث اخلاقی به صورت موردی آمده است و به صورت مستقل مورد بحث قرار نگرفته است. با بررسی‌هایی که انجام شد، پنج مقاله متناسب با عنوان، اشاراتی پراکنده به موضوعات مرتبط با بحث ابتلا و فلسفه، اهداف و مصادیق آن از منظر متون اسلامی و با نگاه تربیتی وجود دارد که تحت عناوین: «ابتلائات الهی به منزله روش تربیتی»، «مراتب آزمون الهی»، «امتحان و آزمایش‌های الهی در قرآن»، «فلسفه ابتلا و امتحان الهی در آیات و روایات» و «ابتلا در قرآن و حدیث» ارائه شده است، در این مقاله ابتلا از منظر متون اسلامی به ویژه قرآن کریم، مفهوم تعلیم و تربیت و اصول حاکم بر آن مبتنی بر دو موضوع اصلی؛ یعنی انسان‌شناختی و هستی‌شناختی مورد توجه قرار گرفته است. انسان دارای استعدادهای نهفته‌ای به نام فطرت است که با هدایت‌های لازم و اختیار شکوفا می‌شود و جهان هستی مصنوع و مخلوق ربی است که همه زیبایی‌های هستی به طور مطلق در او تجلی یافته است و انسان برای تربیت شدن و شکوفایی استعدادها باید ربوبی گردد؛ یعنی خداوند را به عنوان رب خود انتخاب نماید و از راه‌های مشروع برای رسیدن به معبود و به تعبیر قرآنی، قرب الهی تلاش نماید. از طرفی مفهوم معرفت و معیارهای تربیت در اسلام از ارتباط بین انسان‌شناختی و هستی‌شناختی و نظام ربوبی به دست می‌آید که همه آنها در کتاب هدایتگر بی‌بدیل قرآن و توسط معلمان واقعی آن، حضرات معصومین علیهم‌السلام بیان گردیده است و انسان براساس شناخت و ملاک‌ها و معیارهای تعیین شده توسط آنان، به عنوان مسئولیتی خطیر راه خود را انتخاب می‌کند و راهبرد تربیتی شامل همه ملاک‌ها و معیارهای تعیین شده است و انسان را از طریق رفتارها و اعمال، با نگاه ربوبی ارزش‌گذاری می‌کند.

یکی از راهبردهای اساسی در رسیدن به این اهداف، آزمایش‌های الهی است که انسان با توجه به عنصر آگاهی و انتخاب می‌تواند در آزمون‌های گوناگون شرکت نماید، البته به عنوان یک راهبرد تربیتی که عمل انسان را در بوته آزمایش قرار می‌دهد، دارای اهداف و مراتب گوناگون است که عالی‌ترین نتیجه آنها قرب الهی است و از ویژگی‌ها، انواع و کارکردهای گوناگون برخوردار است، این راهبرد تربیتی برای همه انسان‌ها حتمی و قطعی است. آشنایی با آزمون الهی و راه برون‌رفت موفق در آن را خداوند براساس حکمت خود در قرآن کریم آورده است. یکی از موضوعات مهم و کلیدی در زندگی انسان، که در پیچ و خم‌های زندگی پیش‌روی او خودنمایی می‌کند و او را در معرض انتخاب و موضع‌گیری قرار می‌دهد، آزمایش الهی است که در قرآن کریم، تحت عنوان واژه «بلاء»، «فتنه» و مشتقات آنها، در تعدادی از آیات و نیز واژه «امتحان» در دو مورد بیان می‌نمایند. این تحقیق از نوع

بنیادی و به صورت توصیفی - تحلیلی انجام می‌پذیرد.

با توجه به اهمیت موضوع و گستردگی آن، در این مقاله به واژگان فوق از نظر لغوی و تفسیر اجمالی پرداخته و در خصوص واژه بلا و مشتقات آن در قرآن به تفصیل بحث و به سؤال‌های مرتبط پاسخ داده خواهد شد.

مفهوم‌شناسی

آزمون الهی در قرآن کریم با واژه «بلاء»، «فتنه» و «امتحان» از آن یاد شده است. کلمه «بلاء» و مشتقات آن ۳۷ بار در قرآن به کار رفته که اکثر قریب به اتفاق آنها به معنای آزمون الهی است. واژه «فتنه» و مشتقات آن، ۶۰ بار به کار رفته که بعضی از آنها به معنای آزمون الهی است، مانند: آیات کریمه (عنکبوت / ۳؛ انعام / ۵۳؛ اعراف / ۱۵۵؛ طه / ۴۰، ۸۵ و ۹۰؛ ص / ۲۴ و ۳۴؛ دخان / ۱۷) واژه امتحان ۲ بار در آیات قرآن به کار رفته است.

الف) بلاء

بلاء از ریشه: «بلو» یا «بلی»، بلی یَبْلُو بُلُوًّا از باب «نَصَرَ يَنْصُرُ نَصْرًا» به معنای آزمودن، آزمایش و امتحان است. ریشه «بلاء» دارای دو معناست؛ یکی کهنه شدن و دیگری آزمایش. راغب در مفردات آورده است: «بَلِي الثَّوبُ بِلِيٍّ وَ بِلَاءٌ»؛ یعنی آن جامه و لباس کهنه شد و در «بَلَوْتُهُ»؛ یعنی او را آزمایش کردم و «بَلَيْتُ فُلَانًا»؛ یعنی «اِحْتَبَرْتُهُ» او را آزمودم و اینکه غم و اندوه «بلاء» نامیده می‌شود، از آن روایت که جسم روح را فرسایش می‌دهد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «... وَ فِي ذَلِكُمْ بِلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ» (بقره / ۴۹) (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ۱ / ۷ و ۲۴۶) در قرآن کریم «بلی» از ثلاثی مجرد شش اسم و سه فعل ماضی و ۱۷ فعل مضارع و از باب افعال آن یک فعل مضارع و از باب افتعال آن دو اسم فاعل و چهار فعل ماضی و سه فعل مضارع و یک فعل امر آورده شده است. (محقق، ۱۳۶۴: ۳ / ۴۵۸)

ب) فتنه

«فتنه» مثل واژه «بلاء» هم در مورد سختی و هم در آسایش است، اما فتنه در شدت و سختی آشکارتر و بیشتر به کار برده شده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «... وَ تَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً وَ اِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (انبیاء / ۳۵)؛ ما شما را به خیر و شر دنیا مبتلا کردیم تا ببازماییم.» فتنه از ماده «فَتَنَ» «فَتَنَ» «يَفْتِنُ فِتْنَةً وَ مَفْتُونًا فُلَانًا»؛ یعنی فلانی را آزمود و «فِتْنَةُ الصَّانِعِ الذَّهَبِ»؛ یعنی زرگر

طلا را ذوب کرد تا خوب را از بد تشخیص دهد. (لویس معلوف، ۱۳۶۴: ۲ / ۵۶۸) فتنه، امتحان، اختبار نظیر هم هستند. (قرشی، ۱۳۵۴: ۷ - ۵ / ۱۴۷) واژه «فتنه» از افعالی است که هم از سوی خدای متعال و هم از سوی بندگان صادر می‌شود، مثل بلیه، مصیبت، قتل، عذاب و مانند آنها که هرگاه فتنه از خدای تعالی باشد به مقتضا و وجه حکمت است و اگر فتنه از انسان بدون امر و حکم خداوند سر بزند، نقطهٔ مقابل حکمت الهی است، از این‌رو خداوند انسان را در ایجاد انواع فتنه‌ها در هر زمان و مکان مذمت می‌کند. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ۳ / ۱۳ - ۱۲) قرآن کریم می‌فرماید: «وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ (بقره / ۱۹۱)؛ و فتنه شدیدتر از قتل و کشتن است».

ج) امتحان

واژه «امتحان» از مادهٔ مَحَنَ، يَمْحَنُ مَحْنًا فَلَانًا؛ یعنی: فلانی آن چیز را آزمایش کرد. «امْتَحِنَ الشَّيْءَ»؛ یعنی: آن چیز را آزمایش کرد و «المحنة» جمع آن «مِحْنٌ»؛ یعنی حادثهٔ ناگواری که انسان بدان آزمایش می‌شود (لویس معلوف، ۱۳۶۴: ۲ / ۷۴۹) این کلمه دوبار بیشتر در قرآن نیامده است. یکی در (ممتحنه / ۱۰) آیه: «... إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ...» و دیگری در آیه: «... أُولَئِكَ الَّذِينَ أَمْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِتَتَّقُوا...» (حجرات / ۳) «لام» در «للتقوى» در حقیقت «لام غایت» است نه «لام علت»؛ یعنی قلوب آنها را خالص و آماده برای پذیرش تقوی می‌نماید؛ زیرا اگر قلب خالص نشود و از آلودگی‌ها پاک نگردد، تقوای حقیقی در آن جایگزین نمی‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۲۲ / ۱۳۹) پس آزمایش نتیجه‌اش خلوص قلب است.

د) اختبار و رابطه آن با امتحان، بلاء و فتنه

«اختبار» از ماده «خَبَرَ، يَخْبِرُ، خَبْرًا، خَبْرَ الشَّيْءِ»؛ یعنی از روی تجربه آن چیز را یاد گرفت و «اختبر الشَّيْءَ»؛ یعنی آن چیز را امتحان کرد و «المُخْتَبَرُ»؛ به معنای آزمایشگاه است. (لویس معلوف، ۱۳۶۴: ۱ / ۳۱۶) معنای «فَتَّنَاكَ فُتْنًا»؛ یعنی اختبرناک اختبارة و در آیه: «أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت / ۲)، «لا يُفْتَنُونَ» به معنای لا یختبرون است. (صدوق، ۱۳۹۸: ۳۸۶) و نیز آیاتی به لفظ بلوی که معنای اختبار و آزمودن دارند، مانند: مائده / ۴۸؛ آل عمران / ۱۵۲؛ قلم / ۱۷؛ ملک / ۲؛ بقره / ۱۲۳؛ محمد / ۵؛ مؤمنون / ۱۱۰. (ابن شعبه حرانی، بی‌تا: ۵۰۱) بنابراین واژه‌های «اختبار»، «امتحان»، «بلاء» و «فتنه» همگی به معنای آزمایش‌اند، اما به نظر می‌رسد که در نوع و مراتب آزمایش، با هم تفاوت‌هایی دارند، گر چه ممکن است گاهی از باب توسع یا تسامح به جای هم

نیز به کار روند. با عنایت به رشد لغوی شاید بتوان گفت امتحان به آزمایشی گفته می‌شود که دقیق‌تر از آزمونی است که «اختبار» (سنجش) نامیده می‌شود؛ زیرا اختبار هم به وسیله سختی است و هم به وسیله غیر آن، اما امتحان معمولاً با محنت و سختی همراه است. همچنین «بلاء» دقیق‌تر و سخت‌تر از امتحان و «فتنه» سخت‌ترین و دقیق‌ترین نوع آزمایش است. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰: ۱۵ / ۴۳۴) با توجه به مباحثی که در باره واژگان مربوط به آزمایش الهی و نقاط اشتراک و افتراق آنها مطرح شد، اکنون به موضوع «بلاء» در قرآن می‌پردازیم و قبل از هر چیز آیاتی که در قرآن کریم آمده و تعبیری که از واژه «بلاء» و مشتقات و مترادفات آن شده در محدوده آیات، مورد بحث و استناد قرار خواهند گرفت تا فلسفه وجودی آزمایش الهی و نقش آن در تربیت انسان مشخص گردد و برای این منظور به اهداف، ویژگی‌ها، نمونه‌ها، رموز و کارکردهای آزمایش الهی پرداخته خواهد شد.

اهداف آزمایش الهی

هدف آزمایش الهی در اصل، رساندن انسان به قرب الهی است که این قرب براساس میزان تربیت، رشد، جایگاه انسان و موفقیت او در استفاده از علم، اختیار و عمل، تفاوت دارد. اهداف پایه و متوسط دیگری نیز وجود دارد که متناسب با محدوده آیات مورد بررسی به آن اشاره می‌شود؛ زیرا مراتب آزمایش الهی متناسب با ظرفیت انسان‌ها است، چنانکه امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْبَلَاءَ لِلظَّالِمِ أَدَبٌ وَلِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ وَلِلْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ وَ لِلْأَوْلِيَاءِ كَرَامَةٌ.» (نوری، ۱۴۰۸: ۲ / ۴۳۷) انسان متناسب با این آزمایش‌ها از اهداف تربیتی و مراتب آن برخوردار می‌گردد.

الف) رسیدن به توحید ربوبی

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَ إِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ؛ (انعام / ۱۶۵) با آیه پیش از آن «قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ أَعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ.» (انعام / ۱۶۴)

آیه فوق متعرض آن است که:

۱. وقتی خدای تعالی، رب هر چیزی است قهراً موجودات مربوط او خواهند بود و غیر او علی‌الاطلاق رب دیگری که صالح برای پرستش باشد نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۷ / ۵۴۶)

۲. همان رب واحد است که با ربوبیت خود، شما را در درجات مختلف قرار داده و این گونه شما را امتحان خواهد کرد.

ب) ایمان به غیب

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ. (مائده / ۹۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قطعاً، خدا شما را به چیزی از شکار، در حالی که آن در دسترس شما و نیزه‌هایتان است، می‌آزماید، تا خدا معلوم دارد کسی را که در نهان از او می‌ترسد؛ و هر کس بعد از این تعدی کند، پس برایش عذابی درناک است.

این جریان برای آن بوده است که افرادی که از خدا با ایمان به غیب می‌ترسند از دیگران شناخته شوند که هم آزمایش بزرگ و هم عامل بزرگ تربیتی انسان‌ها است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱ / ۵۵۷) در این آیه خداوند وعده می‌دهد که آزمایش الهی برای شما قطعی است حتی در اموری که در نگاه شما کوچک است و هدف از چنین آزمایشی این است که مؤمنان به غیب از غیر آنان بازشناخته شوند.

ج) هدایت و تربیت

فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْنَتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَإِمَّا مَنَّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ * سَيَهْدِيهِمْ وَ يُصْلِحُ بَالَهُمْ * وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ. (محمد / ۶ - ۴)

و هنگامی که با کسانی که کفر ورزیدند روبه‌رو شدید، پس گردن‌ها (یشان) را بزنید، تا هنگامی که کاملاً بر آنان مسلط شوید؛ پس (اسیران را) محکم به بند بکشید؛ پس، یا بعد (از آن) منت گذارید (و آزادشان کنید) یا (در برابر آزادی آنان) تاوان بگیرید، تا این که جنگ بارهای سنگینش را (بر زمین) نهد، این (فرمان خداست)؛ و اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، حتماً از آنان انتقام می‌گرفت، ولیکن (می‌خواهد) تا برخی از شما را با برخی [دیگر] بیازماید؛ و کسانی که در راه خدا کشته شدند، پس (خدا) اعمالشان را گم نمی‌کند؛ به زودی آنان را راهنمایی می‌کند و حالشان را اصلاح می‌کند؛ و آنان را وارد بهشت می‌کند، در حالی که آن را به آنان شناسانده بود.

فلسفه اصلی جنگ، شناخت حق و باطل و آزمایشی برای شناخت اهل عمل از اهل سخن است؛ زیرا در جنگ استعدادها شکوفا شده و استقامت، ایثارگری و ... زنده می‌شود و در نهایت شکل می‌گیرد و هدف از خلقت، پرورش انسان است که با آزمون‌های گوناگون مانند جنگ پرورش می‌یابد. البته خداوند می‌تواند کفار را نابود کند، آن وقت آزمایش انسان‌ها تعطیل می‌گردد و تربیت شکل نمی‌گیرد. در صورتی که تربیت با هدایت نتیجه موفقیت در بزرگ‌ترین آزمایش الهی؛ یعنی مبارزه و جهاد در جنگ حق و باطل است.

د) خالص‌سازی ایمان

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نَاعَسًا يَعْشَى طَائِفَةً مِنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنْ الْأَمْرُ كُلُّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَ لِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَ لِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ. (آل عمران / ۱۵۴)

سپس بعد از آن اندوه (شکست احد)، آرامشی [به صورت] خوابی سبک بر شما فرو فرستاد که دسته‌ای از شما را فرا گرفت؛ و [الی] دسته‌ای که در اندیشه‌ی جانشان بودند، در باره خدا گمان‌های نادرستی، هم چون گمان‌های (دوران) جاهلیت، داشتند؛ می‌گفتند: «آیا چیزی از کار (جنگ) به سود ماست؟!» بگو: «در واقع کار (جنگ و پیروزی) همه‌اش به دست خداست.» آنان [چیزی را در دل‌هایشان پوشیده می‌دارند که برای تو آشکار نمی‌سازند؛ می‌گویند: «اگر (بر فرض) چیزی از کار (جنگ) به سود ما بود، در این جا کشته نمی‌شدیم.» بگو: «اگر (بر فرض) در خانه‌هایتان [هم] بودید، کسانی که کشته شدن بر آنان مقرر شده بود، حتماً به سوی آرامگاه‌هایشان بیرون می‌آمدند؛ و (این‌ها) برای آن است که خدا، آنچه را در سینه‌های شماست، بیازماید و به خاطر آن که آنچه را در دل‌های شماست، خالص [و پاک] گرداند. و خدا به (اسرار) درون سینه‌ها، آگاه است.»

بر این اساس شکست از عوامل آزمون الهی است و باید مقاومت کرد و تحمل نمود و براساس آن تربیت شد؛ زیرا اعتماد به وعده الهی عامل پیروزی در آزمون الهی و مراتبی از تربیت الهی است و بعد از هر سختی با آزمایش، آرامش حاصل می‌گردد؛ زیرا تربیت ارتقا می‌یابد و شکست باعث می‌شود که انسان‌ها آنچه در دل دارند بیرون بریزند و ایمان آنها خالص گردد، از این‌رو آزمایش‌های تلخ موجب خالص شدن ایمان می‌شود.

ه) حسن عمل

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ. (ملک / ۲)
(همان) کسی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارتر است؛ و او شکست‌ناپذیر (و) بسیار آمرزنده است.

بنابراین، هدف از آزمایش «عمل حسن یا حسن عمل است» و در معنای «احسن عملاً» از قول ابوقتاده از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده، که فرمود: کامل‌ترین شما از نظر عقل و شدیدترین از نظر ترس از خدا، نیکوترین شما در آنچه امر و نهی فرمود. (طبرسی، ۱۳۵۸: ۲۵ / ۱۶۷) و هدف از زندگی انسان و به دنیا آمدن و نیز از دنیا رفتن، برای عملکرد او است. منظور از آزمایش خداوند نوعی پرورش است به این معنای که انسان‌ها را به میدان عمل می‌کشد تا ورزیده و آزموده و پاکیزه شوند و لایق قرب گردند. وسیله آزمایش مرگ و حیات و هدف این آزمون بزرگ رسیدن به حسن عمل است که مفهومش تکامل، معرفت و اخلاص نیت و انجام کار خیر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۲۴ / ۳۱۷)

ویژگی‌های آزمایش الهی

الف) آزمایش با خیر و شر

وَ قَطَعْنَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا مِنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَ مِنْهُمْ ذُنُوبٌ ذَلِكُمْ وَ بَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ
وَ السَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ. (اعراف / ۱۶۸)

و آنها را در زمین به صورت گروه‌هایی پراکنده ساختیم، گروهی از آنها صالح و گروهی غیر آن هستند و آنها را به «نیک‌ها» و «بدی‌ها» آزمودیم شاید باز گردند.

حسنت‌ها و سئیت‌ها همه ناراحتی‌ها است و محدوده خاصی ندارد. در هر دو حال مسئله تربیت و هدایت و بازگشت به سوی خداست. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۶ / ۴۳۶)

ب) قطعی بودن

وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ تَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَ الصَّابِرِينَ وَ تَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ. (محمد / ۳۱)
و ما همه شما را قطعاً آزمایش می‌کنیم تا معلوم شود مجاهدان واقعی و صابران از میان شما کیانند؟ و اخبار شما را می‌آزماییم.

ج) تقدم شر بر خیر

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلُّوكُمُ بِالْشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِئْتَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ.
(انبیاء / ۳۵)

هر انسان طعم مرگ را می‌چشد و ما شما را با بدی‌ها و نیکی‌ها آزمایش می‌کنیم و سرانجام به سوی ما باز می‌گردید.

د) زیبایی نمایی

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا. (كهف / ۷)
آنچه را روی زمین است زینت قرار دادیم، تا آنها را ببازماییم که کدام یک از آنها بهتر عمل می‌کنند.

یکی از نکات مهم در آزمایش زیبا جلوه دادن موضوع آن است؛ زیرا در زیبایی کششی وجود دارد که مقاومت در برابر آن آزمایش را معنادار می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۲ / ۳۴۹)

ه) تدریجی بودن

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ. (بقره / ۱۲۴)
و (یاد کنید) هنگامی که ابراهیم را پروردگارش با کلماتی آزمایش کرد و (او به خوبی کار) آزمایش‌ها را تمام کرد، [خدا به او] فرمود: «در واقع من تو را امام [او پیشوای] مردم قرار دادم.» [ابراهیم] گفت: «و از نسل من (نیز) امامانی قرار بده.» [خدا] فرمود: «پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد.»

مهم‌ترین عامل تربیت و شکوفایی حضرت ابراهیم علیه السلام آزمایش‌های تدریجی دوران زندگی او است؛ زیرا آزمایش الهی براساس برنامه انجام می‌شود و کلمات، اشاره به برنامه تربیتی حضرت ابراهیم علیه السلام و «مقام امامتی است که بعد از گذراندن همه آزمون‌ها به دست آمده و بالاتر از رسالت و «ایصال الی المطلوب» است و پیاده کردن برنامه‌های تربیتی در نفوس آماده است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱ / ۴۳۹)
امامت از سوی خدا تعیین می‌شود و پیروی از او برای تربیت، عدل و خود یک آزمون الهی برای همه انسان‌ها است.

و) براساس علم و آگاهی بودن

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا. (انسان / ۲)
ما انسان را از نطفهٔ مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم (لذا) او را شنوا و بینا قرار دادیم.

قدر مسلم آزمایش، مستلزم آگاهی و منظور از سمیع و بصیر، اشاره به سمع و بصر به‌عنوان دو ابزار آگاهی و شناخت است که تعلیم و تربیت از طریق آن انجام می‌پذیرد و خلقت انسان برای آزمایش و تربیت بوده است.

«جمله «نبتلیه» اشاره به رسیدن انسان به مقام «تکلیف و تعهد و مسئولیت و آزمایش و امتحان» است و این یکی از بزرگ‌ترین مواهب خداست که به انسان کرامت فرموده و او را شایستهٔ تکلیف و مسئولیت قرار داده است»، (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۲۵ / ۳۳۵) بنابراین آزمایش مستلزم علم، آگاهی، مسئولیت‌شناسی و تکلیف داشتن است.

ز) فراگیر بودن

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ. (مؤمنون / ۳۰)
این آیه شریفه بیانگر آن است که خداوند همگان را در هر عصری آزمایش می‌کند و این آزمایش مخصوص قوم نوح نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۴ / ۲۳۳)

انواع آزمایش‌های الهی

الف) ادبار نعمت

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِي. (فجر / ۱۶)
و اما هنگامی که برای امتحان، روزی او را تنگ می‌کند، مأیوس می‌شود و می‌گوید پروردگارم مرا خوار کرده است.

محروم بودن از نعمت و نیز سختی، دلیل بر دوری از خدا نیست، بلکه برای تربیت کردن انسان است که براساس حکمت الهی انجام می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۲۶ / ۴۶۲)

ب) اقبال نعمت

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ. (فجر / ۱۵)

اما انسان هنگامی که خداوند او را برای آزمایش اکرام می‌کند و نعمت می‌بخشد (مغرور می‌شود) و می‌گوید پروردگار، مرا گرامی داشته است.

بنابراین اکرام و دادن نعمت دلیل بر تقرب الهی نیست؛ زیرا اکرام اولی، دادن نعمت و اکرام دومی، قرب الهی است. اگر نعمت را قدر بدانیم می‌شود تربیت و براساس تربیت قرب الهی میسر می‌گردد. رمز پرورش و تکامل انسان و به دنبال آن سبب استحقاق ثواب و در صورت مخالفت موجب استحقاق عذاب است. (همان)

رموز پیروزی در آزمایش الهی

الف) صبر و مقاومت

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ. (بقره / ۱۵۵)

و قطعاً [همه] شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش در ثروت‌ها و جان‌ها و محصولات آزمایش می‌کنیم؛ و به شکیبایان مژده بده.

آزمایش، قطعی و همگانی است؛ یعنی همه پیامبران و مؤمنان و انسان‌ها را شامل می‌شود؛ زیرا همه برای تربیت خلق شده‌اند و هدف هستی تربیت است و آزمایش‌ها از قبیل گرسنگی، ترس، اموال، جان و فرزندان متفاوت هستند و انسان‌ها به وسیله صبر نیز آزمایش می‌شوند و باید مقاومت و اعتقاد به توحید «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» (بقره / ۱۵۶) داشته باشند؛ زیرا صابران بعد از آزمایش می‌گویند: همانا ما از سوی خداوندیم و به سوی او برمی‌گردیم و نتیجه موفقیت در آزمون الهی نعمت الهی، رحمت و هدایت از سوی خدا است «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» (بقره / ۱۵۷) و معنای صلوات شامل نعمت‌ها و رحمت الهی است و آزمایش‌ها موجب عدم انحراف و هدایت نتیجه موفقیت در آزمایش الهی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱ / ۵۲۵)

ب) تقارن صبر و تقوی

لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ

أَشْرُكُوا أَدَى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ. (آل عمران / ۱۸۶)

مسلماً در مورد مال‌هایتان و جان‌هایتان آزمایش می‌شوید؛ و قطعاً از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب (الهی) داده شده و از کسانی که شرک ورزیدند، [سخنان] آزار دهنده فراوانی خواهید شنید؛ و اگر شکیبایی ورزید و خودتان را ننگه دارید، پس در حقیقت این [حاکمی] از تصمیم استوار (شما در) کارهاست.

به‌طور مسلم در اموال و نفوس خود آزمایش می‌شوید و از آنها که پیش از شما کتاب (آسمانی) داده شدند (یعنی یهود و همچنین) از آنها که راه شرک پیش گرفتند، سخنان آزاردهنده فراوان خواهید شنید و اگر استقامت کنید و تقوی پیشه سازید (شایسته‌تر است)؛ زیرا صبر و تقوی از کارهای محکم و قابل اطمینان است. بنابراین جان، مال و شنیدن سخنان ناگوار از اهل کتاب (یهود و نصاری) و مشرکان به دلیل ناراحتی فراوانی که دارد، آزمون الهی است و صبر و تقوا هنگام سخن دو عامل مهم در آزمون الهی و همراه بودن آنها به این دلیل است که گاهی انسان صبر و مقاومت می‌کند اما تقوا پیشه نمی‌کند. صبر براساس تقوی و مقاومت بر آن، رمز پیروزی در آزمون الهی است.

رموز شکست در آزمایش الهی

الف) غرور

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. (انفال / ۱۷)

این شما نبودید که آنها را کشتید بلکه خداوند آنها را کشت و این تو نبودی (ای پیامبر که خاک و ریگ به‌صورت آنها) پاشیدی بلکه خدا بود و خدا می‌خواست مؤمنان را به‌وسیله این نعمت بیازماید، خداوند شنوا و داناست.

خداوند این سخن را به مسلمانان در جنگ بدر فرمود تا آنان از یک هدف تربیتی به دلیل غرور باز نمانند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹ / ۴۴)

بنابراین برای انجام دادن آزمایش بزرگی مثل شرکت و پیروزی در جنگ افزون بر نیروی جسمانی، توفیق و عنایت خداوند نیز لازم است و تکیه بر خود و پیروزی را از خود دانستن، موجب غرور و شکست است و تکیه کردن بر خدا و او را شنوا و دانا دانستن نیز آزمون الهی است.

ب) نافرمانی

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّوهُمُ بِإِذْنِهِ حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَّعْتُمْ فِي الْأَمْرِ
وَعَصَيْتُمْ مِمَّنْ بَعَثَ مَا أَرْكَمُ مَا تُحِبُّونَ مِمَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ
الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَّفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ.
(آل عمران / ۱۵۲)

خداوند وعده خود را به شما (درباره پیروزی در جنگ احد) انجام داد و این پیروزی ادامه داشت تا اینکه سست شدید و (بر سر رها کردن سنگرها) و در کار خود به نزاع پرداختید و بعد از آنکه آنچه را دوست می‌داشتید از غلبه بر دشمن به شما نشان داد، نافرمانی کردید. بعضی از شما خواهان دنیا بودند و بعضی خواهان آخرت بودند. سپس خداوند شما را از آنها منصرف ساخت و پیروزی شما به شکست انجامید، تا شما را آزمایش کند و او شما را بخشید و خداوند نسبت به مؤمنان فضل و بخشش دارد.

پس شکست به دلیل سستی، اختلاف و سرپیچی از فرمان پیامبر ﷺ، نیز خود آزمون بزرگ الهی است که با دل بستن به غنائم، (دل بستگی‌ها) انسان را به دلیل پیروی از شیطان در آزمون با شکست مواجه می‌کند.

نکته‌ها

۱. خداوند به دلیل عدم آگاهی آزمایش را انجام نمی‌دهد، بلکه آزمایش برای دو موضوع انجام می‌پذیرد: اول، برای شناخت و نشان دادن واقعیت انسان، همان‌طور که هست. البته خداوند به آن علم دارد ولی در آزمایش به صورت عملی، خوبی و بدی آن آشکار می‌شود. دوم، خداوند زمینه رشد و تربیت را آماده می‌کند تا با آزمایش‌های گوناگون استعدادها و نُهفته آشکار گردد؛ زیرا هدف اصلی خلقت تربیت انسان است و آزمایش ابزاری برای پرورش و تربیت انسان است که لازمه تکامل و رشد انسان اختیاری بودن عمل انسان است. آزمایش زمینه رشد را برای انسان آماده می‌کند که به واسطه آن می‌تواند از فرشته بالاتر رود یا آنکه مسیر انحطاط را طی کند.
۲. به دلیل ضعف انسان در دانش و به‌منظور پی بردن او به حقایق و واقعیت‌های اشیاء خداوند او را مورد آزمایش قرار می‌دهد. در صورتی که خداوند دانای مطلق است و نیاز به چنین آزمایشی ندارد. در قرآن بیش از ۲۰ مورد امتحان به خدا نسبت داده شده است. این یک قانون کلی و سنت دائمی

پروردگار است که برای شکوفا کردن استعدادهای نهفته، از قوه به فعل رساندن آنها و در نتیجه پرورش دادن بندگان، آنان را می‌آزماید. در واقع امتحان خدا به کار باغبانی پر تجربه شبیه است که دانه‌های مستعد را در سرزمین‌های آماده می‌پاشد، این دانه‌ها با استفاده از مواهب طبیعی شروع به رشد و نمو می‌کنند و با مشکلات و حوادث پیکار می‌کنند تا بتوانند به حیات خود ادامه دهند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱ / ۵۲۷) اگر این آزمایش‌ها نبود این استعدادها شکوفا نمی‌شد.

۳. آیات الهی به این مطلب مهم اشاره دارد که خلقت انسان بیهوده نیست: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ... (مؤمنون / ۱۱۵)؛ آیا گمان می‌کنید که ما شما را عبث و بیهوده آفریدیم؟ و به سوی ما باز نمی‌گردید». در آیاتی از قرآن برای خلقت انسان اهدافی بیان شده است، مانند: عبادت: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات / ۵۶) بازگشت به خدا که نتیجه هدف‌دار بودن هستی است و فلسفه خلق انسان و جهان عبارت است از پیمودن مسیر «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره / ۱۵۶) بنابراین موارد فوق و مشابه از اهداف خلقت انسان است، اما هدف اصلی از آفرینش این موجود دو بعدی «خاکی و خدایی» رسیدن او به کمال درخور خویش و دستیابی به مقام «خَلِيفَةَ اللَّهِ» است. «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره / ۳۰) (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۱۶ / ۳۰) تکامل انسان، مقصد نهایی قرآن است. انسان سالکی است که باید مراتب ملک و ملکوت را پشت سر نهد و به افق ولایت بار یابد. دارای هستی فراگیر و جامع خواهد بود و در تمام جهان نفوذ خواهد داشت. کون جامع همان انسان کاملی است که به اذن الهی مظهر اسماء خُسنای خداوند و مثل اعلائی نام شریف «أَلَسْ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری / ۱۱) می‌باشد. (جوادی آملی، همان / ۲۹۸) تردیدی نیست که رسیدن به این مقصد والا جز با آزمون‌های سخت و عبور از پستی‌ها و بلندی‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود.

۴. آزمون الهی آنگاه به حقیقت می‌گراید که انسان از گوهر گران اختیار برخوردار باشد؛ زیرا تربیتی که برای انسان در نظر گرفته شده، براساس انتخاب و هدایت انجام می‌پذیرد، بدین معنا که در گام اول قدرت انتخاب و آزادی برای عمل را داشته باشد و دوم اینکه برای رسیدن به آن مورد هدایت الهی قرار گیرد. خداوند متعال در مورد انسان بعد از خلق می‌گوید او را آزمایش می‌کنیم. البته ابزار آن را نیز به او می‌دهیم؛ یعنی شنوایی و بینایی که لازمه حکمت خداوند است و بعد می‌گوید به او آزادی می‌دهیم و زمینه هدایت را در او ایجاد می‌کنیم، ممکن است انتخاب کند یا انتخاب نکند، براساس فطرت استعدادهای خود را شکوفا می‌کند و تربیت الهی می‌یابد و یا آنکه در مسیر انحطاط گام برمی‌دارد. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»

(انسان / ۳) (جوادی آملی، همان: ۲۵۲) و «وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ» (بلد / ۱۰): یعنی هدایت تشریحی که مستوجب ثواب و عقاب است با آزمایش و اختیار امکان‌پذیر است.

قرآن کریم بر این نکته نیز تصریح می‌فرماید که در میان همه راه‌هایی که پیش پای انسان قرار دارد یک راه مستقیم و دیگر راه‌ها انحرافی است «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَابْتِغُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ». (انعام / ۱۵۳)

بنابراین برای مشخص نمودن هدف از آزمایش الهی به این جمع‌بندی می‌رسیم که خداوند آفرینش را برای جهان هستی و جهان هستی را برای انسان و انسان را برای تکامل و قرب الهی و تکامل خلق نموده است که برای رسیدن به این مقام باید از مسیری مطمئن به نام «صراط مستقیم» و با هدایت خداوند و پیامبران و اولیای الهی و مؤمنین عبور نماید و برای هدایت، تربیت و تکامل انسانی و به دست آوردن مقام قرب الهی از آزمایش الهی استفاده می‌کند و با توجه به اینکه قرآن کریم هدف از خلقت انسان را تکامل می‌داند، آزمایش الهی در قرآن زمینه تکامل و تربیت انسان را آماده می‌نماید که این تکامل در این مسیر با افزایش باورهای قلبی به اسلام و تقویت خلوص ایمان و فرمانبری از خداوند متعال حاصل می‌شود و خداوند می‌فرماید: «وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (یس / ۶۱) و انتهای صراط مستقیم، ربُّ العالمین است که خداوند فرمود: «وَأَنْ أَلِيَّ رَبِّكَ أَلْمُتَّهِی» (نجم / ۴۲) که آنجا «جایگاه ربوبیت کامل و عبد مطلق؛ یعنی رسول اکرم ﷺ اشرف مخلوقات است» (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۸ / ۲۷ - ۲۶) و هر انسانی به میزان موفقیت در آزمون‌های الهی به آن نزدیک می‌شود.

نتیجه

آزمایش به‌عنوان یک راهبرد تربیتی محسوب می‌گردد؛ زیرا شناخت انسان و شناخت هستی و رابطه آنها منجر به مفهوم‌شناسی تعلیم و تربیت و ملاک‌ها و معیارهای آن می‌گردد و رابطه انسان با ربُّ رابطه مملوک با مالک و مخلوق با خالق و مرید و مراد است و از همین موضوع نیز به ارتباط ربوبی بین انسان و خداوند پی برده و تعریف، ملاک‌ها و معیارهای تربیت را می‌شناسیم. تربیت انسان از همین رابطه ربوبی نشئت می‌گیرد؛ زیرا کار خداوند حکیمانه است و خلق انسان براساس حکمت انجام پذیرفته است و انسان مجموعه‌ای از استعدادهاى نهفته را در درون خود دارد. استعدادها به‌تنهایی دارای ارزش نبوده و انسان را مستوجب ثواب و عقاب نمی‌گرداند و آنها باید از قوه به فعل درآیند تا بتوانند میزان و مبنای ارزیابی قرار گیرند. به‌همین دلیل کار حکیمانه ایجاب می‌کند که همه

شرایط و ابزار لازم را مهیا نماید. پس برای به فعلیت رساندن استعدادهای انسان قوانینی را وضع نمود که از آنها در قرآن به هدایت تعبیر می‌شود، هدایتی که برای همه موجودات است. موجودات به‌وسیله آن قوانین، هدایت می‌شوند که آن را هدایت تکوینی می‌گویند. هدایت دیگری که آن را هدایت تشریحی می‌گویند و مخصوص موجوداتی است که دارای قدرت خرد و عقل و قدرت انتخاب هستند و این قدرت انتخاب است که زمینه‌ساز آزمایش الهی است و مستوجب پاداش است. البته آزمایش الهی براساس شناخت انسان، شناخت هستی و رابطه حاکم بر آنها و ظرفیت انسان است و دارای قواعد و قوانین خاص خود است که از مجموعه سیاست‌گذاری‌ها و قواعد و قوانین آن به‌عنوان راهبرد و به دلیل صبغه تربیتی آن را راهبرد تربیتی می‌نامیم؛ زیرا این سیاست‌ها و قواعد و قوانین، انسان را از قوه به فعل و از مرز حیوانیت به مرز الوهیت سیر می‌دهد و هدف اساسی آزمایش الهی به کمال رساندن انسان و کسب مراتبی از حیات طیبه و قرب الهی است و به همان میزانی که انسان مسیر کمال را طی می‌کند، به همان میزان آزمایش‌های او سخت‌تر و دشوارتر می‌گردد و آزمایش یک امر حتمی، قطعی و همگانی است و خداوند با کار حکیمانه خود آزمایش را برای عمل صالح و عمل صالح را برای رسیدن به قرب الهی قرار داده است که همان فلسفه آزمایش الهی و خلقت انسان است و قرب الهی مقام عبودیت است که هدف اصلی و اساسی خلقت است، «وَمَا خَلَقْتُ الْإِنْسَ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات / ۵۶) خداوند درباره رسول اکرم ﷺ فرموده است: «وَأَنَّ إِلَهِي رَبُّكَ الْمُتَنَهِّي» (نجم / ۴۲) پس مربوبیت و عبودیت، فلسفه وجودی آزمایش‌های الهی است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، بی تا، تحف العقول عن آل الرسول، بی تا، ترجمه محمدباقر کمره‌ای،

تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، نشر کتابچی.

- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، تفسیر موضوعی قرآن، قم، اسراء.

- حاجی بابایی، حمیدرضا، ۱۳۹۰، رشد از دیدگاه قرآن و روان‌شناسان، تهران، دانشگاه پیام نور.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۶۳، مفردات الفاظ قرآن کریم، ترجمه سید غلامرضا خسروی

حسینی، تهران، مرتضوی.

- رضی، محمد بن حسین، ۱۳۷۷، نهج البلاغه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- سبحانی، جعفر، بی تا، امتحان و آزمایش الهی در قرآن، با تلخیص از منشور جاوید.^۱
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، ۱۳۹۸ ق، التوحید، تصحیح هاشم حسینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن بن فضل، ۱۳۵۸، مجمع البیان لعلوم القرآن، ترجمه محمد رازی، تهران، فراهانی.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ ق، الامالی، قم، دار الثقافة.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۵۴، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن اسحاق، ۱۳۹۰، الکافی، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی، تهران، چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- محقق، محمدباقر، ۱۳۶۴، دائرة الفرائد در فرهنگ قرآن، تهران، بعثت، ج ۲.
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۹۰، دانشنامه قرآن و حدیث، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران، دار الحدیث.
- معلوف، لوئیس، ۱۳۶۴، المنجد، قم، اسماعیلیان.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۳، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني